

مقدمه

همراهان عزیز! سلام،

در جلد اول کتاب جامع دین و زندگی سعی کردیم که در درسنامه‌ها و در قسمت پیام آیات و احادیث و اشعار همه نکات رو به طور کامل براتون شرح بدیم تا به راحتی بتونین تست بزنین؛ همچنین در طراحی تست‌ها، پوشش‌دهی کامل مطالب درسی برامون اهمیت خیلی زیادی داشت تا هیچ نکته‌ای از زیر چشممون رد نشه، اما واقعیتی که وجود داره اینه که تست خوب، پاسخ مناسب هم لازم داره.

در نوشتن پاسخ‌ها تلاش کردیم تا نه تنها ابهامی برای شما باقی نمونه، بلکه همه نکات مهم تست مطرح بشه و حتی المقدور دلایل رد سایر گزینه‌ها رو هم توضیح دادیم.

حالا پیشنهادمون اینه که حتی پاسخ‌نامه تست‌هایی رو که پاسخخون رو بلدین رو هم مطالعه کنین؛ راستی آدرس پاسخ‌ها رو هم براتون نوشتیم.

یه کار توپ دیگه هم براتون کردیم و اونم اینه که بین پاسخ‌ها، نکاتی با عنوان «راهِبرد» آوردیم و هدفمون این بود که مفاهیم درس یه بار دیگه به صورت عامیانه و راحت مرور بشه و در حقیقت یه جورایی مرور مجدد درس محسوب می‌شه. امیدواریم که این کتاب مسیر پرفراز و نشیب کنکور رو براتون هموارتر کنه و دوسش داشته باشین.

در پایان لازم می‌دونیم از همه همکاران پرتلاش مهروماه به‌ویژه مدیر انتشارات، جناب آقای احمد اختیاری که همیشه حامی ما بودن تشکر و قدردانی کنیم.

زهرا جعفری یزنی
سیده‌ادی هاشمی

۲۳. گزینه ۳ (صفحه ۲۰ و ۲۱)

انسان‌ها به میزانی که خوبی‌ها و زیبایی‌ها را کسب کنند به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. هر کس در درون خود در جست‌وجوی سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن نرسد، آرام و قرار ندارد. دستیابی به سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌ها، علت رسیدن به آرامش (معلول) است.

۲۴. گزینه ۳ (صفحه ۲۰)

به میزانی که هدف ما برتر و جامع‌تر باشد، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهد. افراد زیرک می‌دانند که برخی از هدف‌ها به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند.

۲۵. گزینه ۴ (صفحه ۱۵)

در پس خلقت تک‌تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد (تابع معلول). زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است (متبوع: علت). بنابراین، حکمت خداوند متنوع هدفمندی آفرینش آسمان‌ها و زمین است.

۲۶. گزینه ۴ (صفحه ۱۵)

انسان در زندگی خود همواره در حال انتخاب هدف است. دومین تفاوت انسان با سایر موجودات داشتن روحیه بی‌نهایت‌طلبی است.

۲۷. گزینه ۱ (صفحه ۱۴)

وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حیرتانگیزی مواجه می‌شویم؛ چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که ابتدا سردرگم می‌شویم. انسان دارای روحیه بی‌نهایت‌طلب است و او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد.

۲۸. گزینه ۴ (صفحه ۱۷ و ۲۱)

اگر روح انسان بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد. خدا سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب می‌کنند، به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

۲۹. گزینه ۱ (صفحه ۱۷)

خداوند، معیار انتخاب هدف‌های اصلی از غیر آن را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن را نیز یادآور شده است. او از همه به ما مهربان‌تر و از خود ما به نیازهایمان آگاه‌تر است.

۳۰. گزینه ۳ (صفحه ۲۰ و ۲۱)

افراد زیرک می‌دانند که برخی اهداف به گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند. آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا» بیانگر همین مفهوم است و اشاره به این دارد که اهداف عالی اخروی، شامل اهداف دنیوی هم هستند.

۳۱. گزینه ۲ (صفحه ۱۵)

منظور از برنامه حساب‌شده، هدفمندی می‌باشد و هر ابه‌ای هم که به حق بودن نظام آفرینش اشاره دارد، هدفدار بودن آن را اثبات می‌کند؛ بنابراین آیه «وَمَا بَيْنَهُمَا لِامِينٍ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» صحیح است.

۳۲. گزینه ۱ (صفحه ۱۵)

گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند که در این گزینه جابه‌جا آمده است.

۳۳. گزینه ۴ (صفحه ۱۵ و ۲۱)

حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدفدار بودن خلقت آن‌هاست. افراد زیرک با انتخاب عبادت و بندگی خداوند به عنوان هدف، جان و دل را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند. (ثمره)

۳۴. گزینه ۱ (صفحه ۱۴)

انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت‌طلب است (علت). عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روزبه‌روز افزون می‌گردد (معلول). اگر کسی مقاصد کوچک در نظرش مهم جلوه کند، به سوی همان مقاصد می‌رود و گمان می‌کند این هدف‌ها می‌توانند میل بی‌نهایت‌طلب درونش را آرام کنند. پس این اختلاف، ریشه در نوع اندیشه انسان دارد. (علت)

۳۵. گزینه ۱ (صفحه ۱۸)

در قسمت «۵» اصل قرار گرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شود.

۳۶. گزینه ۲ (صفحه ۲۱)

نزدیکی به خدا نزدیکی حقیقی است. خدا سرچشمه زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

۳۷. گزینه ۴ (صفحه ۱۵ و ۱۶)

گزینه «۴» مربوط به کسانی است که فقط به اهداف فرعی (دنیوی، مادی) فکر می‌کنند. در صورتی که این شعر راجع به «یک تیر و چند نشان» است.

۳۸. گزینه ۳ (صفحه ۱۵ و ۱۶)

انسان باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند. در حالی که گیاهان و حیوانات هدف‌های محدودی دارند و هنگامی که به سرحدی از رشد و کمال می‌رسند، متوقف می‌شوند.

۳۹. گزینه ۲ (صفحه ۱۷ و ۱۸)

انسان در زندگی خود همواره در حال انتخاب هدف است. در گزینه‌های «۲» و «۴» حیوانات و گیاهان به ترتیب به صورت غریزی و طبیعی به اهداف محدود خود می‌رسند.

۴۰. گزینه ۲ (صفحه ۱۷ و ۱۸)

زیرکانه بودن انتخاب، یعنی «با یک تیر چند هدف را زدن» و انتخاب عبادت و رضای الهی، کسب دنیا و آخرت را به دنبال دارد و خداوند رحیم و مهربان خواستار سعادت ماست.

۴۱. گزینه ۲ (صفحه ۱۸)

نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست، بلکه نزدیکی حقیقی است. خدا سرچشمه زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

۴۲. گزینه ۲ (صفحه ۱۵)

در پس خلقت تک‌تک موجودات این جهان، هدفی وجود داشته است؛ زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد و هر موجودی بر اساس برنامه‌ای حساب‌شده به این جهان گام نهاده است. پس حکمت خدا «علت» و هدفمندی آفرینش «معلول» است.

۴۳. گزینه ۱ (تدبیر صفحه ۱۷)

آیه ۱۸ سوره اسراء: «أَنْ كَسَبَتْ أُمَّةٌ لَهَا لَدُنَّا عَزْماً وَعَمَلاً وَكُنَّا بِهَا مُبْتَلًى» بیانگر این است که هر کس اراده کنیم می‌دهیم.

۴۴. گزینه ۱ (صفحه ۲۰ و ۲۱)

افراد زیرک از آنجایی که تمام کارهای دنیوی خود را برای رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند. همچنین آن‌ها می‌دانند که برخی از هدف‌ها به گونه‌ای است که هدف‌های دیگر را نیز دربردارد.

۴۵. گزینه ۱ (تدبیر صفحه ۲۲)

ترجمه آیه «قُلْ إِنِّي صَلَّيْتُ وَكُنْتُ مِنَ الْغَائِبِينَ»؛ «بگو نماز، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است.» این آیه کامل‌ترین تعبیر درباره زندگی به خاطر خداست. بر اساس این آیه هر حرکت و عملی که برای کسب رضایت خداوند و بر اساس معیارهای دینی صورت گیرد، عبادت است.

۴۶. گزینه ۱ (تدبیر صفحه ۱۷)

تنها ابه‌ای که به هدف‌های پایان‌ناپذیر که همان اهداف اخروی است، اشاره دارد، ترجمه آیه مطرح‌شده در گزینه «۱» است.

۴۷. گزینه ۲ (صفحه ۱۷)

آیه ۱۹ سوره اسراء: «وَأَنْ كَسَبَتْ أُمَّةٌ لَهَا لَدُنَّا عَزْماً وَعَمَلاً وَكُنَّا بِهَا مُبْتَلًى» بیانگر این است که هر کس اراده کنیم می‌دهیم.

۴۸. گزینه ۳ (صفحه ۲۰)

برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه استعدادهای متنوع ما را دربرگیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی برپا و زیبا تبدیل کند. به طوری که سراسر وجود ما را شادایی، بالندگی، شور و نشاط فرا گیرد.



راهبرد: علت و معلول

از مهم‌ترین ابزارهای طراحان کنکور، استفاده از دو کلمه «**علت**» و «**معلول**» برای پیچوندن سؤال‌هاست. آگه مفهوم این دو کلمه رو خوب یاد بگیرید کارتون خیلی آسون می‌شه.

علت: مسا کلمه علت رو در طول روز بارها استفاده می‌کنیم و منظورمون چیزیه که باعث وقوع چیز دیگه‌ای می‌شه. در تست‌ها علت رو با واژه‌های «سبب، زمینه‌ساز، عامل و...» بیان می‌کنن!

مثلاً می‌گیم علت دل‌دردم، پرخوری بوده (پرخوری ← دل‌درد) یا می‌گیم

علت معلول

علت موفقیتیم دعای مادرمه. (دعای مادر ← موفقیت)

علت معلول

معلول: همون رخدادی است که از علت ناشی می‌شه یا نتیجه و ثمره علت رو اصطلاحاً «**معلول**» می‌گن. در تست‌ها معلول رو با واژه‌های «**پیامد، نتیجه، مولود، ثمره، میوه، زاییده، در گرو، تابع و...**» می‌سارن! مثلاً می‌گیم آرامش خانواده معلول زحمات پدره. (زحمات پدر ← آرامش خانواده)

علت معلول



نکته: گاهی از دو عبارت «**تابع**» و «**متبوع**» به ترتیب به جای «**معلول**» و «**علت**» استفاده می‌شود. در این موارد منظور این است که «**معلول**» به تبع و به دنبال «**علت**» می‌آید.

۶۰. گزینه ۴

(صفحه ۱۵)

«لغو و بی‌ارزش نبودن جهان خلقت» از عبارت «و ما خلقتنا السماوات و الارض و ما بینهما لاجبین» و «هدفمندی آن» از عبارت «و ما خلقتانها الا بالحق» استنباط می‌شود؛ بنابراین لغو نبودن و هدفمندی نظام هستی تفکیک‌ناپذیرند و وقتی می‌گوییم لغو و بی‌ارزش نیست، به این معناست که هدفمند است.

۶۱. گزینه ۱

(صفحه ۲۰ و ۲۱)

آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست» به مبحث «یک تیر و چند نشان» اشاره دارد که با انتخاب عبادت و بندگی خدا به عنوان هدف، هم می‌توان از بهره‌های مادی زندگی استفاده کرد و هم سرای آخرت را آباد ساخت.

۶۲. گزینه ۳

(صفحه ۲۰ و ۲۱)

برای پاسخ به این سؤال باید آیاتی را انتخاب کنیم که در «عنوان» با یکدیگر مشترک‌اند. در بحث «یک تیر و چند نشان» در کتاب درسی هنگامی این بیت آورده شده است که انسان با انتخاب خدا به عنوان هدف به سایر اهداف نیز می‌رسد. بیت بدین معناست که شکر و قمر خوب‌اند، اما خالق آن‌ها بهتر است. آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، با این بیت ارتباط مفهومی دارد و رسیدن به اهداف جامع نیازمند همت بزرگ و اراده محکم است.



دقت کنید: در هر دو این شعر و آیه، به «هنشأ نعمت‌ها» که خداوند است توجه شده است.

۶۳. گزینه ۳

(صفحه ۱۵)

در پس خلقت موجودات، هدفی وجود دارد (بالحق)، زیرا خالق آن‌ها خدایی حکیم است.

راهبرد: حکمت و حق

«**حکمت و حق**» دو کلمه‌ای هستند که حالاحالاها باهاشون کار داریم! این دو کلمه از پر تکرارترین کلمات دینی دبیرستان (متوسطه دوم) به‌شمار میان، پس خوب باید با معنای اون‌ها آشنا بشید.

• **حکمت صفت خداست** که احتمال هر کار بیهوده‌ای از جانب او رو به صفر می‌رسونه. خدا حکیمه ← کار بیهوده نمی‌کنه. کاری که بیهوده نباشه بهش می‌گن کار هدفمند. ← همه کارهای خدای حکیم هدفمند و با دلیل.

• **کلمه حق یعنی حق بودن چیزی**، به معنای هدفمند بودن اونه. قبلاً گفتیم کار خدا که همون آفرینشه هدفمند ← آفرینش جهان بر حقه

۴۸. گزینه ۲

(صفحه ۲۱)

آیه «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازیچه نیافریدیم» بیانگر این مفهوم است که موجودات یا برنامه‌های حساب‌شده به این جهان گام نهاداند و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت هستند.

۴۹. گزینه ۴

(تدریس صفحه ۱۷)

این آیه در رابطه با اشخاصی است که هدف‌های دنیوی را اصل قرار می‌دهند و این کار مانع رسیدن به هدف‌های اخروی می‌شود.

۵۰. گزینه ۲

(صفحه ۱۸)

در بیان آیات قرآن کریم، برنامه‌ریزی انسان باید دربرگیرنده اهداف اخروی و اهداف دنیوی باشد و به‌گونه‌ای تنظیم شود که اهداف اخروی اصل قرار گیرند و هدف‌های دنیوی فرع و تابع آن‌ها باشند.

۵۱. گزینه ۲

(صفحه ۱۵)

از آنجا که خالق، خدایی حکیم است که هیچ کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد، پس بیهوده نبودن، نشانه حکمت الهی است و حکمت الهی متشأ (علت) حقایق یا همان هدفمندی عالم است.

۵۲. گزینه ۱

(صفحه ۱۸)

هدف‌های اصلی و فرعی هر دو خوب و برای زندگی ما ضروری هستند البته اهداف فرعی موقت‌اند و اهداف اصلی مانع بهره‌مندی از اهداف فرعی نمی‌شود.

پیرویی سایر گزینه‌ها: **گزینه ۲:** هدف‌های پایان‌پذیر را نمی‌توان به جای هدف‌های پایان‌ناپذیر قرار داد. **گزینه ۳:** اگر کسی فقط هدف‌های فرعی را انتخاب کند، لزومی ندارد که به همه آن اهداف برسد. **گزینه ۴:** اصل قرار گرفتن هدف‌های اخروی مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شود.

۵۳. گزینه ۲

(صفحه ۲۱)

شناسایی و انتخاب هدف (همان اختیاری بودن گزینش هدف)، ویژه انسان است و آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا» نمونه‌ای از انتخاب اختیاری هدف زندگی است.

۵۴. گزینه ۲

(صفحه ۲۱ و ۲۲)

آیه شریفه «هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد، نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست» با مصراع «چون که صد آمد نود هم پیش ماست» هم‌مفهوم بوده و بیانگر آن است که آخرت، جامع و دربردارنده دنیاست.

۵۵. گزینه ۳

(صفحه ۱۸، ۲۰ و ۲۱)

آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا...» مصداق افراد زیرکی است که با یک تیر چند نشان می‌زنند. در صورتی که هدفی پایان‌پذیر باشد در زمره اهداف فرعی قرار می‌گیرد.

۵۶. گزینه ۳

(صفحه ۱۵)

آیه مطرح‌شده در صورت سؤال، در خصوص هدفمندی تمام موجودات است که عبارت‌های «الف»، «ج» و «د» به این موضوع اشاره کرده‌اند. ولی عبارت «ب» در خصوص شناسایی هدف توسط انسان است.

۵۷. گزینه ۳

(صفحه ۲۰ و ۲۱)

افراد زیرک می‌دانند که برخی از هدف‌ها به‌گونه‌ای هستند که هدف‌های دیگر را نیز دربردارند و رسیدن به آن‌ها مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز می‌باشد. به میزانی که هدف‌ها برتر و جامع‌تر باشند، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند. این افراد با سرلوحه قرار دادن آیه «فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» و با انتخاب عبادت و بندگی خدا به عنوان هدف، با یک تیر چند نشان می‌زنند و هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده درست می‌کنند و هم از آنجایی که تمام کارهای دنیوی خود را برای رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خدا نزدیک‌تر می‌کنند.

۵۸. گزینه ۲

(صفحه ۲۱)

خداوند در این آیه می‌فرماید: «فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»: «هر کس پاداش دنیا را می‌خواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست».

۵۹. گزینه ۲

(صفحه ۲۱)

نتیجه وصول به سرچشمه کمالات، آرامش و قرار انسان است و (معلول)، نگرش غلط هم نتیجه‌اش انتخاب هدف غلط است. (معلول)

به خدا برمی‌گردد. آیهای که به پیروی از خداوند تأکید می‌کند، آیه «قُلْ إِنَّ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي ...» است.

پایه دهم

آزمون دروس ۷ تا ۹

(صفحه ۸۶)

۷۴۳. گزینه ۱

آیه «يَا كُلُّونَ فِي بَطُونِهِمْ نَارًا» نمونه‌ای از تجسم عمل است که خوردن اموال یتیمان را مانند فروبردن آتش بیان می‌کند.

(تدبر صفحه ۸۵)

۷۴۴. گزینه ۳

در این حال ناله حسرت دوزخیان بلند می‌شود و می‌گویند: «ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم». آن‌ها همچنین می‌گویند: «ای کاش فلان شخص را دوست نمی‌گرفتیم».

(صفحه ۸۹)

۷۴۵. گزینه ۳

زیرا تناسب بین جرم و کیفر از نوع قراردادی و تطبیق دادن خود با پاداش و کیفر، طبیعی است. انسان با آگاهی کامل از رابطه طبیعی، برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین می‌کند.

(صفحه ۸۶)

۷۴۶. گزینه ۴

دوزخیان برای نجات از آتش می‌گویند: «پروردگارا شقاوت بر ما جیره شد و ما مردمی گمراه بودیم... اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می‌دهیم».

(صفحه ۸۶ و ۸۷)

۷۴۷. گزینه ۴

آتش دوزخ حاصل عمل خود آن‌هاست و برای همین از درون جان آن‌ها شعله می‌کشد. پاداش و جزا در بهشت و جهنم از نوع رابطه عینی است.

(صفحه ۸۶)

۷۴۸. گزینه ۴

منظور از این همنشین «عمل انسان» است و گزینه «۴» یعنی مسئولیت حساب و کتاب مربوط به این همنشین نیست.

(صفحه ۸۶)

۷۴۹. گزینه ۱

شیطان می‌گوید: من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید. فرستگان می‌گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند. پاسخ قطعی خداوند به گناهکاران این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم؟ تا هر کس می‌خواست به راه راست آید؟ ما می‌دانیم که اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.

(صفحه ۱۰۰)

۷۵۰. گزینه ۱

زمان‌بندی به عنوان یک مسئله قابل الگوبری بیان شده است. یک‌سوم زندگی رسول اکرم ﷺ برای کارهای شخصی بود.

(صفحه ۱۰۰)

۷۵۱. گزینه ۳

اسوه بودن بزرگان مربوط به اموری است که به‌طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر نمی‌کنند (امور ثابت)، پس در گذر زمان این اسوه بودن تغییر نمی‌کند.

(صفحه ۹۸)

۷۵۲. گزینه ۲

اسام علی ﷺ می‌فرماید: «ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد». امام این مسئله را نشانه زبرکی بیان کرده‌اند.

(صفحه ۹۶)

۷۵۳. گزینه ۳

خداوند راه رستگاری ما را قرین رضایت خود ساخته است.

(صفحه ۹۴)

۷۵۴. گزینه ۱

سرنوشت ابدی انسان‌ها بر اساس رفتار آدمی در دنیا تعیین می‌شود. هر فردی قرب الهی را هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری و خوشبختی ابدی را به‌دست خواهد آورد.

(صفحه ۱۱۱)

۷۵۵. گزینه ۲

در عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ابتدا به مسئله تبری اشاره شده است و سپس به مسئله تولی. پس بیان امام خمینی با قسمت دوم و اول این عبارت هم‌مفهوم است.

۷۳۴. گزینه ۴

(صفحه ۱۰۸)

عشق و محبت الهی است که سبب می‌شود انسان از خودخواهی دست کشیده و اهل اینار و از خودگذشتگی شود و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» بیان می‌کند که اهل ایمان بیشترین محبت را به خدا دارند.

راهبرد: مؤمنان دوستدار خدا

اولین آیه‌ای که در درس نهم مطرح شده از یک دوگانه مؤمن و غیرمؤمن صحبت می‌کند که در مسئله محبت یا هم تفاوت دارند. دقت کنید که این آیه، رابطه بین ایمان و محبت به خدا رو بیان کرده است.

گروه غیرمؤمن (مشرك در محبت خدا): برای خدا در مسئله محبت شریک می‌گیرند (يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ).

گروه مؤمنین: بیش از هر کسی به خدا محبت خالصانه دارند (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ).

• آیه‌ای که مطرح شده است، با حدیث «قلب انسان حرم خداست» ارتباط مفهومی دارد.

۷۳۵. گزینه ۳

(صفحه ۱۰۸)

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی را به وی عطا می‌کند و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» این عشق و محبت را از سوی مؤمنان مطرح کرده است.

۷۳۶. گزینه ۲

(صفحه ۱۱۰)

طبق آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، محبت راستین با اطاعت و تبعیت از خدا و رسول همراه است و اطاعت از نشانه‌های «تولی» به‌شمار می‌رود. این مطلب با حدیث «ما أحبَّ الله من غصاة» که از بیانات امام صادق علیه السلام است، ارتباط معنایی دارد.

۷۳۷. گزینه ۲

(صفحه ۴۹ و ۱۱۱)

الله (الایات): محبت و بیانگر تولی

لا اله (نفی): تنفر و بیانگر تبری

آلا هو (اثبات): محبت و بیانگر تولی

«لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»: به جسمانی و روحانی بودن معاد اشاره دارد.

ردگزینه توجه کنید که آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...» به هیچ‌وجه بر ضرورت معاد اشاره ندارد بلکه راجع به «وقوع معاد» است و به همین جهت گزینه‌های «۳» و «۴» نادرست است.

۷۳۸. گزینه ۴

(صفحه ۱۰۸)

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی را به وی عطا می‌کند. آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» این عشق و محبت را از سوی مؤمنان مطرح کرده است.

۷۳۹. گزینه ۴

(صفحه ۱۱۱)

محبت به کسانی که رنگ خدایی دارند یعنی محبت به دوستان خدا و این همان مسئله دوستی با دوستان خداست.

۷۴۰. گزینه ۴

(صفحه ۱۱۰)

آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ...» در پی بیان این نکته است که تنها محبت به خدا کافی نیست و اطاعت از او نیز ضروری است.

۷۴۱. گزینه ۴

(صفحه ۱۱۰)

تمامی گزینه‌ها به «همراهی ایمان و محبت به خدا با پیروی از او» تأکید می‌کنند، به‌جز گزینه «۴» که محبت را کافی می‌داند و این امر با توجه به کلمه «فَاتَّبِعُونِي»: از من پیروی کنید» نادرست است.

۷۴۲. گزینه ۱

(صفحه ۱۱۰)

معنای حدیثی که در صورت سؤال آمده این است: «کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد» با توجه به این معنا می‌گوییم، کسی که خدا را دوست نداشته باشد از فرمانش سرپیچی می‌کند، یعنی ضمیر «او»

درس ۱

پایه دوازدهم

گزینه ۱ (صفحه ۲)

اندیشه، بهار جوانی را بر طراوت و زیبا می‌سازد، اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

گزینه ۳ (صفحه ۲)

با توجه به حدیث پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِيمَانُ التَّكْوِينِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ: برترین عبادت اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.»

گزینه ۳ (صفحه ۶ و ۷)

اگر درباره آغاز و پایان این هستی پهنای فکر کنیم این پرسش برای ما پیش می‌آید که موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟ لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.

گزینه ۱ (صفحه ۷)

هر کدام از ما، بر اساس قطرت خویش خدا را می‌بایم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌های حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات و مخلوقات مدد می‌رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره خداوند فرا می‌خواند.

گزینه ۲ (صفحه ۷)

قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است. ردگزینه‌ها در گزینه‌های «۱» و «۳» دقت کنید، شناخت فطری راه‌های گوناگون ندارد.

گزینه ۴ (صفحه ۷)

در مقدمه اول استدلال درک نیازمندی جهان به پیدایش می‌گوییم: «ما و مخلوقات این جهان بیدنیایم و وجودمان از خودمان نیست.» رد سایر گزینه‌ها گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به «نیازمندی» اشاره کرده‌اند؛ پس مقصودشان مقدمه اول نمی‌باشد.

گزینه ۲ (صفحه ۷)

پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد. یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد.

گزینه ۳ (صفحه ۷)

مقدمه دوم: پدیده‌هایی که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد.

گزینه ۱ (صفحه ۷)

با توجه به دو مقدمه اول و دوم می‌توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده‌های جهان، در دید آمدن و هست شدن خود، به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.

گزینه ۱ (صفحه ۱۱)

بیتی که در صورت سؤال آمده، مربوط به مقدمه دوم، استدلال درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است.

در مقدمه دوم می‌گوییم، پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای (دیگری) هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها گزینه ۲، مربوط به مقدمه اول است. گزینه ۳، مربوط به نتیجه است.

گزینه ۲ (صفحه ۲)

بیت مذکور در صورت سؤال مربوط به مقدمه دوم از استدلال ما برای نیازمندی جهان به خداست و چون بر «نیازمندی پدیده‌ها، تأکید می‌کند، با آیه «یا ایها الناس أنتم الفقراء إلى الله» مرتبط است.

گزینه ۳ (صفحه ۲)

بررسی سایر گزینه‌ها گزینه ۱: جریان برق از لیستی ایجاد نمی‌شود. گزینه ۲، نیاز جریان برق به مولد، یک نیاز حقیقی نیست. گزینه ۴، ساختمان در پیدایش، بی‌نیاز از بنا نیست.

گزینه ۴ (صفحه ۲)

کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و جینش مصالح است و در واقع ساختمان فقط در مرحله پیدایش به بنا و معمار نیاز دارد و در مرحله بقا، بنا برای ساختمان کاری انجام نمی‌دهد و ساختمان در بقا، خود به بنا نیاز ندارد. پس تفاوت در رابطه بین ساختمان و بنا در مرحله «بقا» می‌باشد و آیه «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» مربوط به نیاز بین عالم و خدا می‌باشد.

گزینه ۳ (صفحه ۹ و ۱۰)

این بیت در بخش «نیازمندی جهان به خدا در بقا» آمده است. در این بخش آمده: موجودات دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند.

گزینه ۴ (صفحه ۹ و ۱۰)

این آیه هم به نیاز در پیدایش اشاره دارد و هم به نیازمندی در بقا. انتهای آیه، خداوند از دو صفت غنی و حمید استفاده کرده است که به معنای بی‌نیازی و ستودگی خدای متعال است.

گزینه ۳ (صفحه ۹ و ۱۰)

آیه «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»: «هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است بی‌بسته از او درخواست دارند او همواره دست‌اندر کار امری است» به نیازمندی مخلوقات در بقا اشاره دارد.

گزینه ۱ (صفحه ۱۱)

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی (براز عجز)

گزینه ۲ (صفحه ۱۱)

خداوند نور هستی است به این معناست که تمام موجودات وجود خود را از او گرفته و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

گزینه ۱ (تبدیر صفحه ۱۱)

با توجه به معنای عبارت قرآنی «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»: «او همواره دست‌اندر کار امری است»، یعنی خداوند همواره در حال ابتکار و نوآوری مستمر است.

گزینه ۴ (صفحه ۱۱)

خدا نور هستی است به این معناست که تمام موجودات وجود خود را از او گرفته و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

توجه: موجودات به یک اندازه تجلی‌بخش اوصاف الهی نمی‌باشند.

گزینه ۱ (صفحه ۱۲)

حدیث داده‌شده، اشاره به این دارد که تمام مخلوقات وجودشان را از خدا گرفته و به سبب او یا به عرصه هستی گذاشته‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها گزینه‌های ۲ و ۳: منظور از این نور، نور فیزیکی نیست که بگوییم مخلوقات نورشان را از خدا می‌گیرند. گزینه ۴: با اشاره به عبارت «به یک اندازه» گزینه غلط شده است.